

تأثیر رویکردهای آموزش فعال و مشارکتی در برنامه‌ریزی درسی بر افزایش انگیزه، مشارکت و یادگیری دانش‌آموزان و دانشجویان

فاطمه عالیپور

دانشجوی پزشکی، مدیر و موسس آکادمی مشاوره تحصیلی ری‌را

fatemeh.alipour۳۱۷@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: روش‌های سنتی آموزش که بر سخنرانی و انتقال یک‌طرفه اطلاعات متمرکز هستند، در پاسخگویی به نیازهای نسل امروز با چالش‌های جدی مواجه شده‌اند. این مطالعه به بررسی تأثیر رویکردهای آموزش فعال و مشارکتی در برنامه‌ریزی درسی بر انگیزه، مشارکت و یادگیری فراگیران در مقاطع مختلف تحصیلی می‌پردازد.

روش‌ها: این مقاله مروری با جستجوی سیستماتیک در پایگاه‌های داده معتبر شامل ERIC، Xplore IEEE، Scopus، PubMed و Scholar Google برای مطالعات منتشر شده بین سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۶ انجام شد. مطالعات مرتبط با روش‌های یادگیری فعال، یادگیری مبتنی بر مسئله، یادگیری مشارکتی، چارچوب ICAP و شواهد اثربخشی در سطوح مختلف تحصیلی استخراج و تحلیل شدند.

یافته‌ها: رویکردهای آموزش فعال، به‌ویژه یادگیری مبتنی بر مسئله (PBL)، فعالیت‌های یادگیری در ایستگاه‌های کاری (WSLA) و یادگیری مبتنی بر پروژه، به طور معنی‌داری مشارکت و انگیزه فراگیران را افزایش می‌دهند. مطالعه بر روی ۵۰۱ دانشجوی پزشکی نشان داد که WSLA باعث افزایش معنی‌دار عملکرد تحصیلی ($P < 0.001$) می‌شود و دانش‌آموزانی که یادگیری سازنده را تجربه می‌کنند، نمرات بالاتری کسب می‌کنند؛ به‌طوری که ۴۰ درصد از یادگیرندگان منفعل مردود می‌شوند، در حالی که یادگیرندگان سازنده تنها دریافت‌کنندگان رتبه عالی هستند. چارچوب ICAP نشان می‌دهد که هرچه سطح مشارکت یادگیرنده از حالت منفعل به تعاملی ارتقا می‌یابد، یادگیری عمیق‌تر و ماندگارتر می‌شود. مداخلات با طول حداقل هشت هفته و ارائه بازخورد مکرر، بیشترین تأثیر را بر انگیزه دارند.

نتیجه‌گیری: رویکردهای آموزش فعال و مشارکتی، با تغییر نقش معلم از انتقال‌دهنده به تسهیل‌گر و نقش دانش‌آموز از گیرنده منفعل به سازنده فعال دانش، تحولی اساسی در کیفیت یادگیری ایجاد می‌کنند. پیاده‌سازی نظام‌مند این رویکردها در برنامه‌ریزی درسی، نیازمند طراحی هدفمند، آموزش معلمان و ارزیابی مستمر است.

واژگان کلیدی: یادگیری فعال، یادگیری مشارکتی، انگیزه تحصیلی، مشارکت دانش‌آموز، چارچوب ICAP، یادگیری مبتنی بر مسئله

۱. مقدمه

نظام‌های آموزشی در سراسر جهان با نقد روزافزونی نسبت به کارایی روش‌های سنتی آموزش مواجه هستند. روش‌های سخنرانی‌محور و انتقال یک‌طرفه اطلاعات، که قرن‌ها بر آموزش و پرورش حاکم بوده‌اند، امروزه به دلیل ناتوانی در ایجاد انگیزه پایدار، مشارکت فعال و یادگیری عمیق در فراگیران، زیر سؤال رفته‌اند (Köpeczi-Bócz, ۲۰۲۵). در مقابل، رویکردهای آموزش فعال و مشارکتی به عنوان جایگزینی مؤثر مطرح شده‌اند که می‌توانند فراگیران را در فرآیند یادگیری درگیر کرده و به توسعه مهارت‌های تفکر انتقادی، حل مسئله و همکاری کمک نمایند (al et Gamage, ۲۰۲۴).

آموزش فعال (Learning Active) رویکردی است که در آن دانش‌آموزان و دانشجویان در فرآیند یادگیری خود مشارکت فعال دارند و صرفاً به گوش دادن منفعلانه اکتفا نمی‌کنند. این رویکرد با درگیر کردن شناختی و معنادار فراگیران با محتوا، به درک بهتر مفاهیم پیچیده و تسلط بر مهارت‌های دشوار منجر می‌شود (al et Sánchez, ۲۰۲۴). به بیان دقیق‌تر، آموزش فعال به عنوان هر فعالیتی تعریف می‌شود که "دانش‌آموزان را در انجام کارها و تفکر درباره کارهایی که انجام می‌دهند درگیر می‌سازد" (al et Sánchez, ۲۰۲۴).

مشارکت (Engagement) یکی از مفاهیم کلیدی در آموزش فعال است که به میزان درگیری شناختی، عاطفی و رفتاری فراگیر با فرآیند یادگیری اشاره دارد. چارچوب ICAP که توسط چی و ویلی (Wylie, & Chi, ۲۰۱۴) معرفی شده است، مشارکت را به چهار سطح تعاملی (Interactive)، سازنده (Constructive)، فعال (Active) و منفعل (Passive) طبقه‌بندی می‌کند و نشان می‌دهد که با افزایش سطح مشارکت، یادگیری عمیق‌تر و ماندگارتر می‌شود (al et Sánchez, ۲۰۲۴).

انگیزه (Motivation) نیز به عنوان موتور محرک یادگیری، نقشی حیاتی در موفقیت تحصیلی ایفا می‌کند. دانش‌آموزانی که با انگیزه هستند، اغلب در فرآیند یادگیری خود مشارکت بیشتری دارند و نتایج تحصیلی برتری تولید می‌کنند (al et Gamage, ۲۰۲۴). رویکردهای آموزش فعال با ایجاد حس خودکارآمدی، ارتباط با زندگی واقعی و فرصت‌های انتخاب و خودراهبری، می‌توانند انگیزه درونی فراگیران را به طور قابل توجهی افزایش دهند.

این مقاله با هدف بررسی جامع تأثیر رویکردهای آموزش فعال و مشارکتی در برنامه‌ریزی درسی بر انگیزه، مشارکت و یادگیری فراگیران در مقاطع مختلف تحصیلی نگاشته شده است. در این راستا، مبانی نظری، روش‌های کلیدی، شواهد اثربخشی و چالش‌های پیاده‌سازی این رویکردها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲. مبانی نظری آموزش فعال و مشارکتی

۱.۲. تعاریف و مفاهیم پایه

آموزش فعال رویکردی آموزشی است که در آن فراگیران از طریق فعالیت‌های عملی، بحث‌های گروهی، حل مسئله و تفکر انتقادی در فرآیند یادگیری مشارکت می‌کنند. این رویکرد با روش سنتی سخنرانی که در آن معلم محور اصلی آموزش است و دانش‌آموزان نقش گیرندگان منفعل اطلاعات را دارند، تفاوت اساسی دارد (al et Gamage, ۲۰۲۴).

آموزش مشارکتی (Learning Collaborative) زیرمجموعه‌ای از آموزش فعال است که بر یادگیری از طریق همکاری و تعامل با دیگران تأکید دارد. در این رویکرد، فراگیران در گروه‌های کوچک با یکدیگر کار می‌کنند، ایده‌ها را به اشتراک می‌گذارند و از طریق گفت‌وگو و تبادل نظر، درک مشترکی از مفاهیم ایجاد می‌کنند (al et Gamage, ۲۰۲۴).

مشارکت (Engagement) به عنوان یکی از مهم‌ترین پیامدهای آموزش فعال، به میزان درگیری فراگیر با فعالیت‌های یادگیری اشاره دارد. چارچوب ICAP (Wylie, & Chi, ۲۰۱۴) چهار سطح مشارکت را مشخص می‌کند که در ادامه به تفصیل توضیح داده می‌شود (al et Sánchez, ۲۰۲۴):

سطح منفعل (Passive): فراگیران بدون مشارکت فعال، اطلاعات را دریافت می‌کنند (مانند گوش دادن به سخنرانی). در این سطح، یادگیری سطحی و کوتاه‌مدت است (al et Sánchez, ۲۰۲۴).

سطح فعال (Active): فراگیران با مواد آموزشی تعامل فیزیکی دارند (مانند یادداشت‌برداری، برجسته‌سازی). این سطح مشارکت بیشتر از سطح منفعل است اما همچنان محدود به پردازش سطحی اطلاعات است (al et Sánchez, ۲۰۲۴).

سطح سازنده (Constructive): فراگیران فراتر از اطلاعات ارائه‌شده رفته و ایده‌های جدید تولید می‌کنند یا مفاهیم را به موقعیت‌های جدید تعمیم می‌دهند. این سطح با یادگیری عمیق و ماندگار همراه است (al et Sánchez, ۲۰۲۴).

سطح تعاملی (Interactive): فراگیران با دیگران به گفت‌وگو می‌پردازند و از طریق تعامل، دانش جدیدی می‌سازند. این بالاترین سطح مشارکت است که با عمیق‌ترین یادگیری همراه است (al et Sánchez, ۲۰۲۴).

۲.۲. مبانی روان‌شناختی

رویکردهای آموزش فعال بر پایه نظریه‌های معتبر روان‌شناختی و تربیتی استوار هستند:

نظریه شناختی-اجتماعی (بندورا): این نظریه بر نقش مشاهده، تعامل اجتماعی و خودکارآمدی در یادگیری تأکید دارد. آموزش فعال از طریق فراهم‌آوردن فرصت‌های مشاهده الگوهای موفق، تعامل با همسالان و تجربه موفقیت، خودکارآمدی فراگیران را تقویت می‌کند (al et Gamage, ۲۰۲۴).

نظریه خودتعیین‌کنندگی (دسی و رایان): این نظریه سه نیاز روان‌شناختی اساسی را برای ایجاد انگیزه درونی معرفی می‌کند: خودمختاری (احساس کنترل بر اعمال)، شایستگی (احساس توانمندی) و ارتباط (احساس تعلق و ارتباط با دیگران). آموزش فعال با فراهم‌آوردن فرصت‌های انتخاب، چالش‌های متناسب و کار گروهی، این سه نیاز را برآورده می‌سازد (Köpeczi-Bócz, ۲۰۲۵).

نظریه سازنده‌گرایی: بر اساس این نظریه، یادگیری فرآیندی فعال است که در آن فراگیران از طریق تعامل با محیط و دیگران، دانش خود را می‌سازند. آموزش فعال با تأکید بر فعالیت‌های عملی، حل مسئله و تعامل اجتماعی، این فرآیند سازنده‌گرایانه را تسهیل می‌کند (al et Sánchez, ۲۰۲۴).

۳. روش‌های کلیدی آموزش فعال و مشارکتی

۱.۳. یادگیری مبتنی بر مسئله (PBL - Learning Problem-Based)

یادگیری مبتنی بر مسئله یکی از شناخته‌شده‌ترین رویکردهای آموزش فعال است که در آن یادگیری حول محور حل مسائل واقعی و پیچیده سازماندهی می‌شود (al et Gamage, ۲۰۲۴). در این روش، فراگیران با یک مسئله یا سناریوی چالش‌برانگیز مواجه می‌شوند و با همکاری یکدیگر، به جستجوی اطلاعات، تحلیل مسئله و ارائه راه‌حل می‌پردازند. این فرآیند شامل مراحل زیر است: ارائه مسئله، شناسایی شکاف‌های دانشی، مطالعه مستقل، بازگشت به گروه برای بحث و تبادل نظر، ارائه راه‌حل‌ها و ارزیابی (al et Gamage, ۲۰۲۴).

مطالعات نشان داده است که PBL با ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان، آنها را به مشارکت فعال در فرآیند یادگیری ترغیب می‌کند و منجر به نتایج تحصیلی برتر می‌شود (al et Gamage, ۲۰۲۴). همچنین، PBL به توسعه مهارت‌های تفکر انتقادی، حل مسئله و همکاری که برای موفقیت در دنیای مدرن ضروری هستند، کمک می‌کند (al et Gamage, ۲۰۲۴).

۲.۳. فعالیت‌های یادگیری در ایستگاه‌های کاری (WSLA - Activities Learning Station Work)

WSLA روشی نوین در آموزش فعال است که در آن مفاهیم آموزشی از طریق ایستگاه‌های کاری مختلف در بستر سناریوهای بالینی یا موقعیت‌های واقعی ارائه می‌شوند (al et Sánchez, ۲۰۲۴). این روش که در آموزش علوم پایه پزشکی توسعه یافته است، شامل مراحل زیر است: ارائه محتوای مرتبط قبل از فعالیت برای آماده‌سازی دانش‌آموزان، پیش‌آزمون برای سنجش آمادگی، ارائه سناریوی بالینی با ایستگاه‌های کاری و فعالیت‌های گروهی، مرور کلی و ارزیابی مبتنی بر اهداف یادگیری، و پس‌آزمون برای سنجش پیشرفت (al et Sánchez, ۲۰۲۴).

مطالعه سانچز و همکاران (۲۰۲۴) بر روی ۵۰۱ دانشجوی پزشکی نشان داد که WSLA به طور معنی‌داری عملکرد تحصیلی را افزایش می‌دهد ($P < 0.001$). دانش‌جویان پس از شرکت در WSLA، نمرات بالاتری در پس‌آزمون نسبت به پیش‌آزمون کسب کردند و

همبستگی مثبت بین مشارکت فعال و نمرات نهایی مشاهده شد. دانش‌آموزانی که رفتار یادگیری سازنده از خود نشان می‌دادند، نمرات بالاتری کسب می‌کردند (al et Sánchez, ۲۰۲۴).

جدول ۱: مقایسه سطوح مشارکت در چارچوب ICAP و پیامدهای تحصیلی

نسبت عالی	نسبت قبولی	نسبت مردودی	رفتار مشاهده‌شده	سطح مشارکت
۰٪	۵۰٪	۴۰٪	مشاهده بدون مشارکت فعال	منفعل (Passive)
۰٪	۴۰٪	۴۵٪	تعامل فیزیکی با مواد	فعال (Active)
تنها دریافت‌کنندگان	داده نشده	داده نشده	تولید ایده‌های جدید	سازنده (Constructive)
بالاترین	بالاترین	پایین‌ترین	گفت‌وگو و هم‌افزایی	تعاملی (Interactive)

منبع: (al et Sánchez, ۲۰۲۴)

۳.۳. یادگیری مبتنی بر پروژه (PjBL - Learning Project-Based)

یادگیری مبتنی بر پروژه رویکردی است که در آن فراگیران با انجام پروژه‌های بلندمدت و چندرشته‌ای، به کسب دانش و مهارت‌های عملی می‌پردازند (al et Gamage, ۲۰۲۴; Köpeczi-Bócz, ۲۰۲۵). در این روش، فراگیران مسئولیت طراحی، اجرا و ارزیابی پروژه را بر عهده دارند و از این طریق، مهارت‌های خودراهنایی، همکاری و حل مسئله را توسعه می‌دهند (al et Gamage, ۲۰۲۴).

مطالعات نشان داده است که یادگیری مبتنی بر پروژه، به ویژه زمانی که با استانداردهای آموزشی همسو باشد، می‌تواند به طور معنی‌داری مشارکت دانش‌آموزان را افزایش دهد و عملکرد تحصیلی را بهبود بخشد (Warner, ۲۰۲۵; al et Gamage, ۲۰۲۴). با این حال، اثربخشی این روش به کیفیت طراحی پروژه و حمایت معلم بستگی دارد (Warner, ۲۰۲۵).

۴.۳. یادگیری مشارکتی و کار گروهی

یادگیری مشارکتی روشی است که در آن فراگیران در گروه‌های کوچک با یکدیگر همکاری می‌کنند تا به اهداف یادگیری مشترک دست یابند (al et Gamage, ۲۰۲۴). این روش با فراهم آوردن فرصت‌های تعامل، تبادل نظر و هم‌افزایی، مشارکت و انگیزه فراگیران را افزایش می‌دهد و به یادگیری عمیق‌تر کمک می‌کند (al et Gamage, ۲۰۲۴).

مطالعه سانچز و همکاران (۲۰۲۴) نشان داد که همکاری گروهی در چارچوب WSLA با عملکرد تحصیلی بالاتر همراه است و همبستگی مثبت بین نمرات کار گروهی و نمرات پس‌آزمون وجود دارد. همچنین، تحلیل کیفی نشان داد که دانش‌آموزان WSLA را به عنوان چارچوبی انگیزش‌بخش و سازنده برای درک مفاهیم پیچیده درک می‌کنند و بر نقش معلمان و دانش‌آموزان در یادگیری و توانایی کار گروهی تأکید داشتند (al et Sánchez, ۲۰۲۴).

۵.۳. سایر روش‌های نوین

کلاس درس معکوس (**Classroom Flipped**): در این روش، محتوای آموزشی از طریق ویدئوها و مواد آنلاین در خارج از کلاس ارائه می‌شود و زمان کلاس به فعالیت‌های عملی، بحث و حل مسئله اختصاص می‌یابد (Köpeczi-Bócz, ۲۰۲۵).

بازی‌وارسازی (**Gamification**): استفاده از عناصر بازی مانند امتیاز، مدال و چالش‌ها در فرآیند یادگیری برای افزایش انگیزه و مشارکت (Pekdağ, & Türkmen, ۲۰۲۲).

یادگیری مبتنی بر آزمایشگاه و شبیه‌سازی: فراگیران از طریق آزمایش‌های عملی و شبیه‌سازی‌های رایانه‌ای، مفاهیم علمی را به صورت تجربی درک می‌کنند. مطالعه ایلکوروچ و همکاران (۲۰۲۲) بر روی دانش‌آموزان پایه یازدهم نشان داد که کاربردهای یادگیری فعال شامل آزمایش‌ها، شبیه‌سازی‌ها و بازی‌ها به طور معنی‌داری پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را افزایش می‌دهد و تأثیر مثبتی بر انگیزه و نگرش آنها نسبت به درس فیزیک دارد (Pekdağ, & Türkmen, ۲۰۲۲).

۴. شواهد اثربخشی آموزش فعال و مشارکتی

۱.۴. تأثیر بر عملکرد تحصیلی

قوی‌ترین شواهد برای اثربخشی آموزش فعال، از مطالعات کمی با طراحی کارآزمایی بالینی یا شبه‌تجربی به دست آمده است:

مطالعه سانچز و همکاران (۲۰۲۴): در این مطالعه بر روی ۵۰۱ دانشجوی پزشکی، روش WSLA به طور معنی‌داری عملکرد تحصیلی را افزایش داد. مقایسه پیش‌آزمون و پس‌آزمون نشان داد که دانش‌جویان در پس‌آزمون نمرات به طور معنی‌داری بالاتری کسب کردند ($P < 0.001$). همچنین، همبستگی مثبت و معنی‌داری بین مشارکت فعال و نمرات نهایی مشاهده شد (al et Sánchez, ۲۰۲۴).

مطالعه گاماگ و همکاران (۲۰۲۴): این مطالعه مروری بر روی یادگیری مبتنی بر مسئله نشان داد که PBL به عنوان کاتالیزوری برای انگیزه معلمان و دانش‌آموزان در مدارس K-12 عمل می‌کند. دانش‌آموزانی که با انگیزه هستند، اغلب در فرآیند یادگیری خود مشارکت بیشتری دارند و نتایج تحصیلی برتری تولید می‌کنند (al et Gamage, ۲۰۲۴).

مطالعه تورکمن و پکداغ (۲۰۲۲): این مطالعه بر روی ۹۸ دانش‌آموز پایه یازدهم در ترکیه نشان داد که کاربردهای یادگیری فعال (شامل آزمایش‌ها، شبیه‌سازی‌ها، مدل‌سازی، فعالیت‌های باغی و بازی‌ها) به طور معنی‌داری پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را در مبحث مغناطیس افزایش می‌دهد و تأثیر مثبتی بر انگیزه و نگرش آنها نسبت به درس فیزیک دارد (Pekdağ, & Türkmen, ۲۰۲۲).

۲.۴. تأثیر بر مشارکت

یکی از مهم‌ترین یافته‌های مطالعات آموزش فعال، رابطه مستقیم بین مشارکت فعال و موفقیت تحصیلی است. سانچز و همکاران (۲۰۲۴) نشان دادند که دانش‌آموزانی که رفتار یادگیری سازنده (Constructive) از خود نشان می‌دهند، به طور مداوم نمرات بالاتری کسب می‌کنند. در مقابل، دانش‌آموزانی که رفتار منفعل دارند، با نسبت بالایی از مردودی مواجه هستند (۴۰٪ مردودی) و هیچ‌یک از آنها موفق به کسب رتبه عالی (Excellent) نشدند. در مقابل، یادگیرندگان سازنده تنها دریافت‌کنندگان رتبه عالی بودند (al et Sánchez, ۲۰۲۴).

این یافته‌ها با چارچوب ICAP همسو است که پیش‌بینی می‌کند با افزایش سطح مشارکت، یادگیری عمیق‌تر و ماندگارتر می‌شود (al et Sánchez, ۲۰۲۴).

جدول ۲: خلاصه شواهد اثربخشی آموزش فعال و مشارکتی

مطالعه	روش آموزش فعال	جمعیت مورد مطالعه	یافته کلیدی	سطح شواهد
al et Sánchez (۲۰۲۴)	WSLA	۵۰۱ دانشجوی پزشکی	افزایش معنی‌دار عملکرد ($P < 0.001$)؛ یادگیرندگان سازنده تنها دریافت‌کنندگان رتبه عالی	کارآزمایی شبه تجربی
al et Gamage (۲۰۲۴)	PBL	مرور نظام‌مند (K-۱۲)	افزایش انگیزه و مشارکت دانش‌آموزان و معلمان	مرور نظام‌مند
Türkmen & Pekdağ (۲۰۲۲)	یادگیری فعال چندروشی	۹۸ دانش‌آموز پایه یازدهم	افزایش معنی‌دار پیشرفت تحصیلی و انگیزه	طرح ترکیبی
Köpeczi-Bócz (۲۰۲۵)	ترکیب MOOCs و روش‌های فعال	دانشجویان دانشگاه	افزایش مشارکت و کارآمدی یادگیری	مطالعه ترکیبی
Warner (۲۰۲۵)	یادگیری مبتنی بر پروژه	دانشجویان آموزش عالی در امارات	تفاوت معنی‌دار در نمرات گروه آزمایش	اقدام‌پژوهی

۳.۴. تأثیر بر انگیزه

مطالعات نشان داده است که آموزش فعال از طریق مکانیسم‌های متعددی انگیزه فراگیران را افزایش می‌دهد (al et Gamage, ۲۰۲۴; Köpeczi-Bócz, ۲۰۲۵):

ارتباط با زندگی واقعی: رویکردهایی مانند PBL و WSLA با ارائه مسائل و سناریوهای واقعی، relevance محتوای آموزشی را برای فراگیران افزایش می‌دهند و انگیزه درونی را تقویت می‌کنند (al et Gamage, ۲۰۲۴; al et Sánchez, ۲۰۲۴).

حس خودکارآمدی: فرصت‌های موفقیت در فعالیتهای عملی و دریافت بازخورد مثبت، خودکارآمدی فراگیران را افزایش می‌دهد (al et Gamage, ۲۰۲۴; Pekdağ, & Türkmen, ۲۰۲۲).

خودمختاری: رویکردهای فعال با فراهم آوردن فرصت‌های انتخاب و خودراهبری، نیاز روان‌شناختی به خودمختاری را برآورده می‌سازند (Köpeczi-Bócz, ۲۰۲۵).

تعامل اجتماعی: کار گروهی و تعامل با همسالان، نیاز به ارتباط و تعلق را برآورده می‌سازد و لذت یادگیری را افزایش می‌دهد (al et Sánchez, ۲۰۲۴; al et Gamage, ۲۰۲۴).

یک مطالعه مروری نظام‌مند (۲۰۲۵) نشان داد که تأثیرات انگیزشی رویکردهای یادگیری فعال، به ویژه زمانی که مداخلات حداقل هشت هفته طول بکشد، بازخورد مکرر ارائه شود و دانش‌آموزان در مرکز حل مسئله اصیل قرار گیرند، قابل‌توجه است (Digital Journal, ۲۰۲۵). همچنین، در رشته‌های STEM و زمینه‌هایی که همکاری گروهی تشویق می‌شود، پیشرفت بیشتری مشاهده شده است (Digital Journal, ۲۰۲۵).

۵. پیاده‌سازی در برنامه‌ریزی درسی

۱.۵. طراحی برنامه درسی مبتنی بر آموزش فعال

طراحی برنامه درسی مبتنی بر آموزش فعال نیازمند بازنگری اساسی در ساختار، محتوا و روش‌های آموزشی است (Köpeczi-Bócz, ۲۰۲۵; al et Gamage, ۲۰۲۴). اصول کلیدی طراحی عبارتند از:

همسوسازی اهداف، فعالیتهای و ارزیابی: برنامه درسی باید به گونه‌ای طراحی شود که اهداف یادگیری، فعالیتهای آموزشی و روش‌های ارزیابی با یکدیگر همسو باشند. اگر هدف، توسعه مهارت‌های تفکر انتقادی است، فعالیتهای و ارزیابی باید این مهارت را بسنجند (al et Sánchez, ۲۰۲۴).

طراحی فعالیتهای مشارکتی و تعاملی: فعالیتهای باید به گونه‌ای طراحی شوند که مشارکت فعال و تعامل بین فراگیران را تشویق کنند. فعالیتهای گروهی، بحث‌های کلاسی، ایفای نقش و شبیه‌سازی‌ها نمونه‌هایی از این فعالیتهای هستند (al et Gamage, ۲۰۲۴; al et Sánchez, ۲۰۲۴).

ارائه بازخورد مستمر و سازنده: بازخورد به موقع و سازنده، به فراگیران کمک می‌کند تا نقاط قوت و ضعف خود را شناسایی کنند و یادگیری خود را تنظیم نمایند (al et Sánchez, ۲۰۲۵; Journal, Digital, ۲۰۲۴).

تلفیق فناوری‌های آموزشی: فناوری‌هایی مانند MOOCs، شبیه‌سازی‌های رایانه‌ای و پلتفرم‌های تعاملی می‌توانند آموزش فعال را تسهیل و توسعه دهند (Köpeczi-Bócz, ۲۰۲۵).

ایجاد محیط یادگیری امن و حمایت‌کننده: فضایی که در آن فراگیران احساس امنیت برای ابراز نظر، پرسش و خطا کردن داشته باشند، برای مشارکت فعال ضروری است (al et Sánchez, ۲۰۲۴).

۲.۵. نقش معلم در آموزش فعال

در رویکردهای آموزش فعال، نقش معلم از انتقال‌دهنده اطلاعات به تسهیل‌گر، راهنما و طراح تجربیات یادگیری تغییر می‌کند (al et Gamage, ۲۰۲۴; al et Sánchez, ۲۰۲۴). ویژگی‌های کلیدی معلمان مؤثر در این رویکرد عبارتند از:

توانایی طراحی فعالیت‌های یادگیری معنی‌دار: معلم باید بتواند فعالیت‌هایی طراحی کند که فراگیران را به طور شناختی و عاطفی درگیر کند و با اهداف یادگیری همسو باشد (al et Sánchez, ۲۰۲۴).

مهارت‌های تسهیل‌گری: معلم باید بتواند بحث‌ها را هدایت کند، سؤالات چالش‌برانگیز مطرح کند و به فراگیران در کشف و ساخت دانش کمک کند، نه اینکه پاسخ‌های آماده ارائه دهد (al et Gamage, ۲۰۲۴).

ارائه بازخورد مؤثر: معلم باید بتواند بازخورد سازنده و به موقع به فراگیران ارائه دهد تا آنها بتوانند یادگیری خود را تنظیم کنند (al et Sánchez, ۲۰۲۴).

انعطاف‌پذیری و پاسخگویی: معلم باید بتواند برنامه خود را بر اساس نیازها و علایق فراگیران تنظیم کند و به موقعیت‌های پیش‌بینی‌نشده پاسخ دهد (al et Gamage, ۲۰۲۴).

تحقیقات نشان داده است که انگیزه معلمان نیز در موفقیت آموزش فعال نقش حیاتی دارد. معلمان با انگیزه و مجهز به استراتژی‌های آموزشی نوین، می‌توانند دانش‌آموزان را در کلاس درس الهام‌بخش و توانمند سازند (al et Gamage, ۲۰۲۴).

۳.۵. چالش‌ها و راهکارهای پیاده‌سازی

با وجود شواهد قوی در مورد اثربخشی آموزش فعال، پیاده‌سازی آن با چالش‌های متعددی مواجه است (al et Gamage, ۲۰۲۴; Köpeczi-Bócz, ۲۰۲۵):

چالش نگرشی و فرهنگی: در بسیاری از نظام‌های آموزشی، فرهنگ تدریس مبتنی بر سخنرانی ریشه‌دار است و تغییر آن نیازمند زمان و آموزش است (al et Gamage, ۲۰۲۴).

چالش آمادگی معلمان: بسیاری از معلمان آموزش‌های لازم برای پیاده‌سازی روش‌های فعال را ندیده‌اند و نیازمند برنامه‌های توسعه حرفه‌ای هستند (al et Gamage, ۲۰۲۴).

چالش منابع: پیاده‌سازی آموزش فعال نیازمند منابعی مانند زمان، فضا، تجهیزات و نیروی انسانی است که ممکن است در دسترس نباشد (Köpeczi-Bócz, ۲۰۲۵).

چالش ارزیابی: ارزیابی یادگیری در رویکردهای فعال، پیچیده‌تر از آزمون‌های سنتی است و نیازمند ابزارهای متنوع (ارزیابی عملکردی، پرتفولیو، خودارزیابی) است (al et Sánchez, ۲۰۲۴).

راهکارهای عملیاتی: برای غلبه بر این چالش‌ها، راهکارهای زیر پیشنهاد می‌شود: سرمایه‌گذاری بر توسعه حرفه‌ای معلمان، طراحی تدریجی برنامه درسی، استفاده از رویکرد ترکیبی (تلفیق سخنرانی با فعالیت‌های فعال)، مشارکت فراگیران در طراحی و ارزیابی، و ایجاد جامعه یادگیری حرفه‌ای برای تبادل تجارب (al et Gamage, ۲۰۲۴; Köpeczi-Bócz, ۲۰۲۵).

۶. نتیجه‌گیری

رویکردهای آموزش فعال و مشارکتی، با تغییر اساسی در نقش معلم و دانش‌آموز و ایجاد فرصت‌های یادگیری عمیق و معنادار، تحولی بنیادین در کیفیت آموزش و پرورش ایجاد کرده‌اند. شواهد علمی قوی نشان می‌دهد که این رویکردها به طور معنی‌داری انگیزه، مشارکت و یادگیری فراگیران را در مقاطع مختلف تحصیلی افزایش می‌دهند (al et Sánchez, ۲۰۲۴; al et Gamage, ۲۰۲۴; Pekdağ, & Türkmen, ۲۰۲۲).

چارچوب ICAP نشان می‌دهد که هرچه سطح مشارکت فراگیران از حالت منفعل به تعاملی ارتقا یابد، یادگیری عمیق‌تر و ماندگارتر می‌شود. مطالعه سانچز و همکاران (۲۰۲۴) با روش WSLA نشان داد که یادگیرندگان سازنده تنها دریافت‌کنندگان رتبه عالی هستند، در حالی که یادگیرندگان منفعل با نسبت بالایی از مردودی مواجه هستند. این یافته‌ها تأکید می‌کند که آموزش فعال نه یک رویکرد لوکس، بلکه یک ضرورت آموزشی است.

روش‌های کلیدی آموزش فعال شامل یادگیری مبتنی بر مسئله (PBL)، فعالیت‌های یادگیری در ایستگاه‌های کاری (WSLA)، یادگیری مبتنی بر پروژه، یادگیری مشارکتی، کلاس درس معکوس و بازی‌وارسازی هستند. هر یک از این روش‌ها با مکانیسم‌های خاص خود، انگیزه درونی، خودکارآمدی و مشارکت فعال فراگیران را تقویت می‌کنند (al et Gamage, ۲۰۲۴; Köpeczi-Bócz, ۲۰۲۵).

پیاده‌سازی موفق این رویکردها در برنامه‌ریزی درسی نیازمند تعهد نظام‌مند، سرمایه‌گذاری بر توسعه حرفه‌ای معلمان، طراحی هدفمند فعالیت‌های یادگیری، استفاده از فناوری‌های آموزشی و ارزیابی مستمر است. با وجود چالش‌های نگرشی، ساختاری و منابع، تجارب موفق جهانی نشان می‌دهد که با رویکردی گام‌به‌گام و مشارکتی، می‌توان نظام‌های آموزشی را به سمت مدل‌های فعال و دانش‌آموز-محور سوق داد.

در نهایت، آموزش فعال و مشارکتی، با تربیت فراگیرانی که نه تنها دانش‌آموز، بلکه متفکر، پرسشگر و همکار هستند، زیربنای توسعه جامعه‌ای آگاه، خلاق و پویا را فراهم می‌آورد. سرمایه‌گذاری در این رویکرد، سرمایه‌گذاری در آینده آموزش و پرورش و تضمین‌کننده تربیت نسلی کارآمد برای مواجهه با چالش‌های دنیای پیچیده امروز است.

منابع

۱. Chi, M.T.H., & Wylie, R). ۲۰۱۴. (The ICAP framework :Linking cognitive engagement to active learning outcomes. *Educational Psychologist*, ۴۹(۴), ۲۱۹-۲۴۳.
۲. Gamage, K.A.A., Ekanayake, S.Y., & Karunanayake, I). ۲۰۲۴. (Problem-based learning : A catalyst for teacher and student motivation in K-12 schools. *IEEE Xplore*). Conference Paper(
۳. Köpeczi-Bócz, T). ۲۰۲۵. (Enhancing university education quality through MOOCs : Effective learning strategy combinations and pedagogical innovations. *International Journal of Emerging Technologies in Learning*, ۲۰(۱), ۴-۲۲.
۴. Sánchez, J., Lesmes, M., Rubio, M., Gal, B., & Tutor, A.S). ۲۰۲۴. (Enhancing academic performance and student engagement in health education :Insights from Work Station Learning Activities) WSLA. (*BMC Medical Education*, ۲۴(۱), ۴۹۶.
۵. Türkmen, S., & Pekdağ, B). ۲۰۲۲. (Teaching of magnetism unit topics via active learning applications. *Participatory Educational Research*, ۹(۶), ۲۸۶-۳۱۱.
۶. Warner, R.S). ۲۰۲۵. (An alternative pedagogical approach to traditional teaching in Higher Education in the UAE :Student engagement). Doctoral thesis, University of Exeter.(
۷. Digital Journal). ۲۰۲۵. (Motivational teaching techniques in secondary and higher education :A systematic review of active learning methodologies. *Digital Journal*, ۵(۳), ۴۰.